

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره خانواده

عنوان پژوهش

مقایسه دیدگاه روان شناسی انسان گرا با قرآن در مورد ویژگیهای انسان سالم

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر معصومه اسمعیلی

استاد مشاوره

جناب آقای دکتر سعید بهشتی

پژوهش گر

عبدالعلی ترشیزی

سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

چکیده

در این پژوهش ویژگی های انسان سالم از دیدگاه انسان گرایی و قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه کار به این صورت است که ابتدا از طریق مطالعه و فیش برداری از کتب مرتبط با موضوع، اطلاعات و مطالب لازم در فصل دوم به نگارش در آمد. سپس براساس روش تحلیل محتوا مطالب مربوط به ویژگی های انسان سالم جمع آوری و به تایید متخصصین هر دو دیدگاه رسید. مطالب تأیید شده، در هر دو دیدگاه به عنوان افق انسان گرایی و قرآن در نظر گرفته شدند و افق سوم که افق محقق است بر مبنای امتزاج دو افق دیگر مشخص و تبیین شد.

بر اساس امتزاج دو افق، از نظر پژوهشگر انسان سالم دارای ویژگی های زیر است:

۱. علاوه بر تکیه بر عینیت، به عالم غیب و مصادیق آن نیز اعتقاد دارد. ۲. به خاطر بهره مندی از یک پشتوانه قوی اعتقادی و عقلی در زندگی خود احساس امنیت دارد. ۳. در برابر تأخیر در ارضاء نیازهایش چه آنها که از کنترلش خارج است، و چه آنها که اختیاری و در جهت اطاعت از پروردگار و ریاضت شرعی است، صبور است، و هیجانات خود را کنترل می کند. ۴. معتقد است، زندگی او محدود به همین دنیا نیست، و بعد از مرگ در جهانی دیگر پروردگارش را ملاقات می کند، و به زندگی خود ادامه می دهد. ۵. از یک هماهنگی وجودی برخوردار است، بین اعتقاد، فکر و کلامش با عملش هماهنگی وجود دارد. ۶. در زندگی دارای یک هدف اصلی است که تمام اهداف فرعی و اعمال گوناگونش در راستای آن هدف است. ۷. از تمام امکانات مادی و معنوی خود، بدون چشم داشت در راه آرمانش و کمک به مردم هزینه می کند. ۸. در راه رسیدن به اهدافش و حل مشکلاتش انسانی فعال، خلاق و انعطاف پذیر است. ۹. از آزادیش در انتخاب آگاه است، لذا از این فرصت استفاده می کند و انتخاب صحیح و آگاهانه ای انجام می دهد. ۱۰. توانایی درک، پذیرش و هماهنگی با حقیقت را دارد. او اهل تفکر و تعقل است. ۱۱. دارای روحیه قدردانی است او در برابر خداوند به خاطر نعمتهایش شاکر است و از بندگان او نیز به خاطر یاریشان تشکر می کند. ۱۲. اگر مرتکب خطا شود، پشیمان می گردد، بازگشت می نماید، خطایش را ترک می کند و آن را جبران می نماید. ۱۳. نسبت به خدا و بندگان صالحش محبت دارد و از دستورات الهی پیروی می کند. ۱۴. در زندگی خود هدف دارد، لذا خود را درگیر کارهای بیهوده و بی هدف نمی نماید. ۱۵. انسانی وارسته است، خود را از بند آنچه که او را از رسیدن به حقیقتش باز می دارد می رهاند.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- مقدمه..... ۲
- بیان مسئله..... ۳
- اهمیت و ضرورت مسئله..... ۵
- اهداف پژوهش..... ۶
- سوالات پژوهش..... ۶
- تعریف مفاهیم..... ۷

فصل دوم: ادبیات تحقیق

- مقدمه..... ۹
- انسان گرایی..... ۱۰
- ویژگی های انسان سالم..... ۱۲
- عدم تکیه صرف بر عینیت..... ۱۲

- ۱۴..... احساس امنیت و آرامش در زندگی
- ۱۶..... توانایی در به تعویق انداختن ارضاء نیازها و کنترل هیجانات
- ۱۸..... اعتقاد راجع به حیات
- ۲۰..... هماهنگی بین فکر و عمل
- ۲۱..... هدفمندی حرکت در زندگی و داشتن هدف مشخص
- ۲۲..... بخشش برخواسته از ایمان
- ۲۳..... تحرک و انعطاف پذیری در جهت اهداف و حل مسئله
- ۲۵..... انتخاب آزادانه و آگاهانه راه کمال
- ۲۶..... درک پذیرش و هماهنگی با حقیقت
- ۲۸..... پذیرش خطاها و مسئولیت عمل و جبران آن
- ۲۹..... مهرورزی به هستی
- ۳۱..... وارستگی
- ۳۳..... قرآن کریم

- انسان شناسی دینی..... ۳۳
- انسان در قرآن..... ۳۴
- ویژگی های انسان سالم از دیدگاه قرآن..... ۳۷
- عدم تکیه صرف بر عینیت..... ۳۷
- احساس امنیت و آرامش در زندگی..... ۳۹
- توانایی در به تعویق انداختن ارضاء نیازها و کنترل هیجانی..... ۳۸
- توانایی در به تعویق انداختن نیاز جنسی..... ۴۰
- خویشتن داری در خشم..... ۴۲
- خویشتن داری در سختی ها و آسایش ها..... ۴۳
- باور به ملاقات با منبع لایزال هستی و تداوم حیات..... ۴۵
- هماهنگی باور و کلام با عمل..... ۴۶
- عدم پراکندگی هدف و تمرکز بر یک هدف مشخص..... ۵۰
- بخشش برخواسته از ایمان و عاری از چشم داشت..... ۵۱

- ۵۴.....تحرك و انعطاف پذيری در جهت آرمانها و حل مسئله
- ۵۷.....انتخاب آزادانه و آگاهانه راه کمال
- ۶۱.....درک، پذيرش و هماهنگی با حقیقت
- ۶۱.....تفکر و شناخت
- ۶۳.....ظرفیت فهم و پذيرش حق
- ۶۶.....حالات ناشی از هماهنگی با حقیقت
- ۶۸.....سپاسگزاری
- ۶۹.....پذيرش خطاها، مسئولیت عمل و جبران آن
- ۷۱.....مهرورزی به سرچشمه هستی
- ۷۴.....برقراری پیوندهای خوب و گسستن پیوندهای بد
- ۷۷.....هدفمندی حرکت در زندگی
- ۸۰.....وارستگی
- ۸۱.....پژوهشهای انجام شده در زمینه ویژگی های انسان سالم
- ۸۵.....خلاصه

فصل سوم: روش اجرای تحقیق

مقدمه.....	۸۹
جامعه آماری.....	۹۰
نمونه.....	۹۰
طرح پژوهش.....	۹۱
روش اجراء.....	۹۱
ابزار اندازه گیری و ارزیابی.....	۹۲
تجزیه و تحلیل داده ها.....	۹۲

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

مقدمه.....	۹۵
بررسی سوالات پژوهش.....	۹۶
سوال اول.....	۹۶
سوال دوم.....	۹۷

سوال سوم..... ۹۹

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

سوال اول ۱۱۵

سوال دوم..... ۱۲۱

سوال سوم..... ۱۳۱

نتایج کلی ۱۴۱

محدودیت پژوهش ۱۴۳

پیشنهادهای پژوهش ۱۴۳

فهرست منابع ۱۴۴

فصل اول

کلیات

خدا، انسان و جهان، سه محور اساسی اندیشه بشری است که در طول تاریخ و در همه جوامع پرسش های مهم، اندیشه سوز و اندیشه ساز درباره آنها طرح شده و همه تلاش فکری انسان متوجه این سه کانون و یافتن پاسخ های درست و مناسب برای پرسش های مربوط به آنهاست. در این میان، شناخت انسان اهمیت ویژه ای دارد و دانشمندان فراوانی را در رشته های علمی مختلف به خود مشغول ساخته است (مصباح، ۱۳۸۹).

در زمینه شناخت انسان موضوعات گوناگونی مطرح می باشد که شناخت انسان سالم و بررسی ویژگی های او می تواند از مهمترین این موضوعات باشد. شناخت انسان سالم دغدغه دیرپای انسان بوده است. از این رو طبیعی است که تاریخ اندیشه بشری از تئوری ها، آرزوها، توهمات و اسطوره هایی در این زمینه پر باشد. چنان که ادیان الهی و مکتبهای فکری، فیلسوفان، عارفان و پیشوایان دینی و اجتماعی، هر کدام به گونه ای، این مساله را در نظر داشته و درباره آنها سخن گفته اند (علوی نژاد، ۱۳۷۷).

تاکنون تبیین های متفاوتی از سلامت روان و انسان سالم ارائه شده است و هر کدام از مکاتب و دانشمندان متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و اجتماعی و زیربنای فلسفی خود به این موضوع پرداخته اند. انسان گرایی^۱ یکی از مکاتب مهم در روان شناسی است، که به عنوان جنبشی در مقابل دو مکتب غالب زمانه خودش، یعنی رفتارگرایی^۲ و روان کاوی^۳، به عنوان "نیروی سوم"^۴ در اوایل قرن بیستم میلادی مطرح گردید. این مکتب با دیدی نو و روشی جدید، هدف خود را دست یافتن به شخصیتی سالم با تکیه بر توانایی های نهفته درون انسان بیان کرد (نیک صفت، ۱۳۸۵).

مزلو^۵ بنیان گذار و رهبر معنوی جنبش روان شناسی انسان گرا در نظر گرفته می شود. دیدگاه شخصیت مزلو، دیدگاهی انسان گرا و خوشبینانه است. تمرکز او به جای بیماری بر سلامتی روانی است، بر رشد است نه بر رکود، بر قوت و استعداد های انسان است، نه بر ضعفها و محدودیتها. او احساس اطمینان و حتی

¹ Humanism

² Behaviorism

³ Psychoanalysis

⁴ Third Force

⁵ Maslow Abraham

اعتماد زیادی به توانایی ما در شکل دهی زندگی و جامعه مان داشت (شولتز، شولتز^۱: ترجمه، سید محمدی، ۱۳۸۴).

علاوه بر دیدگاههای خوشبینانه و رشد نگر روانشناسی انسان گرا پیرامون ویژگیهای انسان، در ادیان الهی و کتابهای آسمانی با عناوین مختلف، در مورد ویژگی های انسان سالم مباحث و دیدگاههای جامعی مطرح شده است، و با دیدی مثبت و سازنده به انسان نگریسته شده و از سوی دیگر با توجه به این که ما در جامعه ای زندگی می کنیم که به کتاب آسمانی قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب وحی معتقدیم و بر این باوریم که کامل ترین شناخت از انسان را آفریننده انسان، که خداست می تواند در اختیار ما انسان ها قرار دهد لذا بر آنیم تا با بررسی آیات قرآن کریم به احصای ویژگی های انسان سالم بپردازیم و آن را با ویژگیهای انسان سالم در روانشناسی انسان گرا مقایسه نماییم، تا بتوانیم در پژوهشهای آینده قدم های شایسته و بایسته ای در راستای بومی سازی دیدگاههای روان شناسی بر داریم.

بیان مسئله

شناخت راز هستی و حقیقت انسان را می توان محور اساسی تاملات، تفکرات و جستجوگری های علمی و عملی فیلسوفان، عارفان و اندیشمندان علوم انسانی قلمداد کرد. در راه کشف این راز سر به مهر، چه خردها که به کار گرفته و چه جان ها که خسته نشده اند. بسیاری نیک دریافته بودند که در شناخت انسان به عنوان پدیده ای همسان با سایر پدیده ها روبه رو نیستند؛ بلکه با موجودی معمایی و ابهام آمیز مواجه اند و باور داشتند که انسان همچون کلاف سر درگمی است که با تلاش های علمی متداول نمی توان به آسانی به حقیقت او پی برد (فقیهی، رفیعی مقدم، ۱۳۸۷).

یکی از مسائلی که مرتبط با شناخت انسان می باشد تاثیر پیش فرضها در شناخت است. که فیلسوفان علم بدان اذعان کرده اند. کارناب فیلسوف علم شناس آلمانی که خود از موثرترین و قوی ترین نظریه پردازان پوزیتیویسم است عقیده دارد در تمامی حوزه های علوم (اعم از طبیعی و اجتماعی) دانشمندان هنگام مطالعه یا تبیین پدیدهها ابتدا عواملی را که به نظرشان ممکن است در آن پدیدار دخالت داشته باشد - به اتکای بینش ها، نظریه ها و آموزه های خاص که در آن حوزه خاص وجود دارد- حدس می زنند. پس از این

¹ Schultz Duane & Schultz Sydney Ellen

حدس اولیه آنها می‌کوشند تا دریابند که آیا این حدس‌ها درست بوده‌اند یا نه و پس از مشخص شدن موثر بودن عوامل حدس زده چگونگی و میزان دقیق این عوامل را در آزمایش‌های بعدی مورد مطالعه قرار می‌دهند (زیبا کلام: به نقل از حسنی، علی پور، موحد ابطحی، ۱۳۹۰).

لذا در هر جامعه‌ای هر چند محقق سعی کند که به صورت خنثی و بی‌طرفانه به پژوهش بپردازد باز هم ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و مقتضیات زمان در مراحل مختلف کار، بر او تاثیر می‌گذارد و یکی از دلایل سردرگمی و تشتت در نظرات دانشمندان مکاتب مختلف در مورد ویژگی‌های انسان همین اثرپذیری از پیش‌فرضها و مقتضیات زمانی و فرهنگی جامعه محقق می‌باشد، و بدون استمداد از انسان‌شناسی فلسفی و دینی به کاهش دامنه‌ی اختلاف‌ها و تضادهای موجود در علوم اجتماعی و انسانی امیدی نیست حاصل این وضعیت، محرومیت جامعه علمی از دست‌یابی به شناختی جامع و کامل از انسان است و تا اوضاع بدین منوال است جامعه علمی از شناخت کلیت انسان محروم است و باید به شناخت‌های جزئی و پراکنده و بعضاً متضاد اکتفا کند (فقیهی، رفیعی مقدم، ۱۳۸۷).

از طرف دیگر مسئله معرفت‌شناختی در انجام تحقیقات و شکل‌گیری غالب‌های نظری امری مهم و مورد توجه می‌باشد. معرفت از نگاهی به حصولی و حضوری قسمت می‌شود. در شناخت حصولی، سه روش معرفتی هست: حس و ادله تجربی، عقل و براهین عقلی، نقل و شواهد روایی متکی به عقل. شناخت حضوری نیز دو روش دارد. کشف و شهود که خودش اقسام و مراتبی خاص دارد و با تزکیه و تحول وجودی شناسنده قرین است، شناخت و حیانی، روش وحی ملکه روشهاست، آن‌گاه روش شهود عارف عادل و سپس روش فلسفی-کلامی و روش ریاضی است و پایین‌ترین روش همانا روش حسی و تجربی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

با توجه به تقسیم‌بندی بالا از معرفت، مساله‌ای که در این میان وجود دارد این است که هرچند جنبش روان‌شناسی انسان‌گرا نسبت به سایر جنبش‌ها از تعصب روش‌شناختی تجربی کمتری برخوردار بود، ولی با این وجود باز هم در استفاده کافی از تمام روشهای شناخت بی‌بهره بوده است. لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که ویژگی‌های انسان سالم در دیدگاه روان‌شناسی انسان‌گرا و قرآن چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

اهمیت و ضرورت مساله

علم روان شناسی، مجموعه، آرا، عقاید و یافته ها درباره احساسات، عواطف، افکار و حالات روانی انسان است. سرچشمه اصلی علم روان شناسی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در کشورهای اروپایی و امریکایی بوده است. از آنجا که این علم مانند سایر علوم انسانی تحت تاثیر عوامل فرهنگی بوده است، ممکن است در مواردی با ساختار فرهنگی جامعه اسلامی ایران، ناهماهنگ باشد. در حال حاضر، این وجوه ناهماهنگی، روشن به نظر نمی رسد. لازم است ضمن استفاده از آخرین یافته های علم روان شناسی، به تناسب آن یافته ها، با نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی ایران، توجه شود و موارد ناهماهنگ بویژه از نظر جهان بینی و فلسفه های فکری زیربنایی آنها روشن و مشخص گردد (کلانتری، ۱۳۷۵).

مقایسه دیدگاه روانشناسی انسان گرا با قرآن در مورد انسان سالم سبب روشن شدن شباهتها و تفاوتها و ناهماهنگی های بین آنها می شود. همچنین روشن شدن محورهایی می شود که در قرآن به آن اشاره شده ولی در روان شناسی انسان گرا به آن اشاره نشده است. آشکار شدن این موارد که تحت تاثیر زیر بناهای فلسفی، پیش فرضها و موضوعات روش شناختی و مقتضیات فرهنگی جامعه محقق است، بخشی از تشتت بین رویکردهای مختلف را در رصد ویژگیهای انسان توجیه می کند و مانع از بکارگیری نگرشها و روشها منشعب از این رویکرد می شود، که در تضاد با زیربنای جامعه ماست از طرف دیگر این مقایسه سبب شناسایی شباهت بین آنها می گردد که منجر به سنجش میزان نزدیکی این رویکرد با قرآن می شود تا از این رهگذر متخصصین حرفه های یاورانه بتوانند از این رویکرد و روشهای منشعب از آن تا جایی که تضادی با زیربنای فرهنگی و فلسفی جامعه ما ندارد استفاده کنند.

از طرف دیگر شناسایی ویژگیهای انسان سالم از دیدگاه قرآن به متخصصان حرفه های یاورانه جامعه اسلامی ایران که علاقه مند به شناسایی ویژگیهای انسان سالم از دیدگاه قرآن هستند، کمک می کند تا در ارزیابی های خود از میزان سلامتی مراجعان خود به جای تکیه بر رویکرد های دیگر، به نگرش قرآنی نسبت به انسان سالم توجه کنند و این ویژگیها را معیار سنجش میزان سلامتی مراجعان خود در آغاز کار مشاوره و سنجش میزان توفیق در کارشان در پایان مشاوره قرار دهند.

یکی از موارد دیگری که ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می کند، ارایه معیارهای از انسان سالم برای افرادی است که نیازمند این معیارها هستند تا بر اساس آن سعی در حرکت به سمت سلامت و آنگاه کمال و سعادت نمایند که مد نظر مکتب اسلام می باشد.

از طرف دیگر تحولاتی که در اثر نظرات افرادی همچون هیوم، کانت، داروین، مارکس، نیچه و فروید در جوامع علمی در طی قرون هیجدهم و نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم رخ داد باعث ضعیف شدن دین و خدا باوری در جوامع علمی گردید؛ ولی از دهه ۱۹۵۰ به بعد شاهد جریان دور شدن از تفکر پوزیتیویستی و مکانیکی بوده ایم و به خصوص در دهه اخیر (در واقع از دهه ۱۹۷۰ به بعد) شاهد احیای دین و معنویات به طرق مختلف هستیم (گلشنی، ۱۳۸۵).

لذا برای جلوگیری از تکرار اشتباه بی توجهی به دین و خدا باوری در جوامع علمی و همچنین همگامی با جریان جهانی و نیکوی توجه به دین در عرصه مسائل علمی لازم است که به دین به عنوان یکی از منابع معرفت بخشی در حوزه مسائل علمی خصوصاً شناخت انسان توجه شود و این پژوهش قدمی هر چند کوتاه در این زمینه است.

اهداف پژوهش

۱. تعیین ویژگی های انسان سالم از دیدگاه روان شناسی انسان گرا
۲. تعیین ویژگیهای انسان سالم از دیدگاه قرآن
۳. مقایسه شباهتها و تفاوتهای انسان سالم از دیدگاه قرآن با روانشناسی انسان گرا

سوالات پژوهش

۱. انسان سالم از نظر روان شناسی انسان گرا چه ویژگیهایی دارد؟
۲. انسان سالم از نظر قرآن چه ویژگیهایی دارد؟
۳. چه شباهتها و تفاوتهایی بین ویژگیهای انسان سالم از دیدگاه قرآن و روان شناسی انسان گرا وجود دارد؟

تعریف مفاهیم تحقیق

قرآن کریم: قرآن وحی نامه اعجاز آمیز الهی است که به زبان عربی، به عین الفاظ توسط فرشته امین وحی، جبرئیل، از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اسلام (ص) هم اجمالاً یکباره و هم تفصیلاً در مدت بیست و سه سال نازل شده و حضرت (ص) آن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده و کاتبان وحی (از میان اصحاب) آن را با نظارت مستقیم و مستمر حضرت (ص) نوشته اند و حافظان بسیار، هم از میان اصحاب، آن را حفظ و به تواتر نقل کرده اند و در عصر پیامبر (ص) هم مکتوب بوده ولی مدون نبوده است، و در عصر عثمان با نظارت او طی چند سال، منتهی به حدود سال ۲۸ هجری، مدون بین الدفین، از سوره فاتحه تا ناس، در ۱۱۴ سوره، می گردد. سوره بزرگترین واحد قرآن است و آیه کوچکترین واحد قرآن است. قرآن پژوهان سوره های قرآن را بر طبق سه قاعده، مکانی، زمانی و ناظر، به مکی و مدنی تقسیم کرده اند (خرمشاهی، ۱۳۷۷).

فصل دوم

ادبیات تحقیق

یکی از مسائلی که همواره ذهن انسانهای طالب رشد واقعی را به خود مشغول داشته، این است که انسان سالم کیست؟ انسان سالم چه ویژگیهایی دارد؟ انسان سالم چگونه زندگی می کند؟ و در کل سوالاتی بر محور سلامت انسان در جوانب مختلف است. انسان طالب رشد واقعی می خواهد بهترین الگو و معیار را داشته باشد تا بتواند آن را سرلوحه ی زندگی خود قرار دهد و همچون نوری در راهش و تکیه گاهی در کنارش به آن اعتماد کند تا به خطا نرود و به ویژگی هایی که حاکی از سلامتی نیست بیهوده افتخار نکند و یا در تقابل با جامعه ناسالم به خاطر داشتن یک سری از ویژگیها احساس حقارت نکند.

در اعصار و امصار مختلف انسانها و مکاتب گوناگون در این زمینه به اظهار نظر پرداخته اند و به صورت مکتوب، شفاهی و عملی ویژگیهایی را به عنوان سلامت به انسان هم دوره و هم حیطه خود ارائه داده اند. گروهی از این ویژگیها را مکاتب انسانی و گروه دیگری را مکاتب الهی فراهم کرده اند. پشتوانه مکاتب انسانی افکار انسانی و نیاز سنجیها و شناسائی های محدود آنها از انسان هم دوره خود می باشد، که با گذشت زمان کاربرد خود را از دست می دهد هر چند در زمان معاصر خودش می تواند منافی برای جامعه انسانی داشته باشد و یا مانند بعضی از نظریه ها نه تنها سودی ندارد بلکه مضراتی نیز داشته باشد. اما پشتوانه مکاتب الهی شناسایی فرا انسانی از انسان توسط آفریننده اوست، که توسط یکی از خود همین انسانها یعنی پیامبر از جانب خداوند متعال بر آنها عرضه می شود که در آن به فهم و توانایی مخاطب یعنی انسان توجه شده و هر انسانی به اندازه فهم خود از آن بهره مند می شود.

روان شناسی به عنوان یکی از علوم انسانی که مدعی بررسی انسان می باشد، از زمان پیدایش خود یعنی سال ۱۸۷۹ با کار وونت^۱ در دانشگاه لایپزیگ^۲ آلمان، فراز و نشیب های زیادی را در سیر تطور نگرش خود به انسان پشت سر گذاشته است. یکی از موارد قابل ذکر در حرکت روان شناسی در طول حیات خود، پیدایش سه مکتب متفاوت در نگرش به انسان است. این سه مکتب به ترتیب عبارتند از:

۱- مکتب روان کاوی ۲- مکتب رفتاری ۳- مکتب انسان گرایی.

^۱ Wilhelm Wundt

^۲ University of Leipzig

از طرف دیگر ظهور روان شناسی فرا شخصی^۱ فصل مهمی از تاریخ مکتب انسان گرا است. همان گونه که هستینگس^۲ خاطر نشان ساخته (۱۹۹۹) روان شناسان انسان گرا تمایل دارند که روان شناسان فرا شخصی را زیر چتر روان شناسی انسان گرا قرار دهند؛ در مقابل کسانی که در حوزه روان شناسی فرا شخصی مشغولند ترجیح می دهند آن را نهضتی متمایز و چهارم قلمداد کند، و به دنبال آنند که شأن و منزلت مستقل آن به رسمیت شناخته شود (الکینس^۳ ۲۰۰۰: ترجمه اخوان ۱۳۸۵).

اما مسأله ای که در این میان وجود دارد این است که، در تعریف سلامتی بین مکاتب مختلف روان شناسی هماهنگی وجود ندارد و به حیطة سلامت روان انسان همچون سایر حیطة ها نگاهی کاملاً نسبی انگارانه دارند در حالی که که همگی مدعی نظریه پردازی در مورد انسان واحدی هستند. تاکنون تبیین های متفاوتی از سلامت روانی، ارائه شده است: فقدان بیماری، داشتن تعادل عاطفی، سازش اجتماعی، احساس راحتی و آسایش، یکپارچگی شخصیت، شناخت خود و محیط، خود واقعی بودن و عدم ایفاء نقش و بسیاری تعاریف دیگر. آنچه در بررسی تبیین های مختلف مفهوم «سلامت روانی» دید می شود اختلاف نظر هایی است که بین دانشمندان و صاحب نظران روان شناسی و مشاوره وجود دارد (لطافتی بريس، ۱۳۸۹).

انسان گرایی

در نخستین سالهای دهه ۱۹۶۰، جنبشی در روان شناسی به رهبری مزلو بنیان گذاری شد که به روانشناسی انسان گرایی یا نیروی سوم شناخته شده است. چنان که از اصلاح «نیروی سوم» استنباط می شود روان شناسی انسان گرا می خواست جای دو نیروی عمده روان شناسی یعنی رفتار گرایی و روان تحلیل گری را بگیرد (هیل وزیگلر^۴، ۱۹۹۲).

هر چند نمود توجه تاثیرگذار به توانایی ها و استعدادهای انسانی در غالب جنبش انسان گرایی در سال ۱۹۶۰ و توسط مزلو آشکار شد، ولی از سالها قبل به موضوع توجه به انسان با دیدی فراتر از نگرش ماشینی

^۱ Transpersonal psychology

^۲ Hestings . A

^۳ Elkins.David. N

^۴ Hielle.L.A and Ziegler.D.J